

The Place of Love For the Ahl Al-Beyt in the Qur'an and Hadiths and its Role in Lifestyle

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Mahdi Ali Mohammadi

Kamal Khajepour Banadaki

Seyed Hamid Shamrizi

How to cite this article

Mahdi Ali Mohammadi, Kamal Khajepour Banadaki, Seyed Hamid Shamrizi, The Place of Love For the Ahl Al-Beyt in the Qur'an and Hadiths and its Role in Lifestyle, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:6(3); 293-300

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: khajepour@iauyazd.ac.ir

Article History

Received: 2022/05/09

Accepted: 2022/11/26

ABSTRACT

Purpose: The current research was conducted with the purpose of explaining the place of love for the Ahl al-Bayt (AS) in the lifestyle.

Materials and Methods: This research was descriptive and analytical.

Findings: It is understood from the verses and narrations that love for the Ahl al-Bayt (AS) is the basis of guidance in the development of the system of existence and in the creation and planning of the world, the movement of the earth and the sky, in the levels of divine grace and also in the legal system, and Religion, faith, salvation and salvation of people are tied with the love of the Ahl al-Bayt (peace be upon them).

Conclusion: Based on this, individual and social lifestyle, in all social, cultural, political and economic behaviors can be formed by following Ahl al-Bayt (A.S.) which is influenced by love for them.

Keywords: Ahl Al-Beyt Love, Creation System, Lifestyle, Individual and Social, Quran and Hadiths

جایگاه محبت به اهل بیت علیه السلام در قرآن و روایات و نقش آن در سبک زندگی

مهدی علی محمدی قلعه کهنه^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

کمال خواجه پور بنادکی

استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

سید حمید شمع ریزی

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه محبت به اهل بیت (ع) در سبک زندگی انجام شد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و توصیفی، تحلیلی بود.

یافته‌ها: از آیات و روایات فهمیده می‌شود که محبت به اهل بیت (ع)، در تکوین نظام هستی و در خلق و تدبیر جهان، گردش زمین و آسمان، در مراتب افاضه فیض الهی و نیز در نظام تشریح اساس هدایت است، و دین و ایمان و رستگاری و نجات انسان‌ها با محبت اهل بیت علیهم السلام گره خورده است.

نتیجه‌گیری: بر این مبنا سبک زندگی فردی و اجتماعی، در تمام رفتارهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند به پیروی از اهل بیت (ع) که متأثر از محبت به آنهاست، شکل بگیرد.

کلید واژه‌ها: محبت اهل بیت، نظام آفرینش، سبک زندگی، فردی و اجتماعی، قرآن و روایات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵

* نویسنده مسئول: khajehpour@iauyazd.ac.ir

مقدمه

محبت اهل بیت در قوس نزول و صعود واسطه در نظام هستی است. آفرینش آسمان‌ها و زمین، ماه و خورشید، افلاک و دریاها نیست مگر به دوستی اهل بیت علیهم السلام «الا فی محبه هولاء» چنان که آفرینش آنها نیست مگر برای دوستی آنها «الا لاجلکم و محبتکم». از سویی انسان که از جمله این موجودات است هم در قوس نزول و هم در قوس صعود سخت وابسته به این محبت است. چرا که در قوس نزول هستی او وابسته به محبت انسان کامل است و در قوس صعود محبت به انسان کامل غایت آفرینش او محسوب می‌شود و شاید تعبیر قلب در مورد انسان کامل که در روایات به آن اشاره شده است به همین مطلب نظر داشته باشد. زیرا قلب هم در رساندن خون به همه اعضای بدن و هم در برگرداندن آن از همه اعضا به خود نقش اصلی را دارد. به عبارت دیگر همان گونه که قلب واسطه در همه ی فیوضات در قوس نزول و صعود به بدن می‌باشد، امام واسطه در همه ی فیوضات در قوس نزول و صعود است که به کالبد جهان می‌رسد. آری امام هم واسطه در نزول و هم واسطه در صعود است.

با توجه به این مطلب، محبت به انسان کامل می‌تواند واسطه در دریافت فیض در تمام جهات برای انسان باشد، چه در جهت بینش و معرفت و چه در سطح گرایش و رفتار. این محبت از طرفی واسطه در درک حقیقت و از طرفی واسطه در رساندن به حقیقت می‌باشد. با این محبت انسان می‌تواند مصداق عینی کمال را در همه ی زمینه‌ها الگوی خود بیابد. «لکم فی رسول الله اُسوةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، آیه ۲۱) و این محبت غایت مسیر انسان را مشخص می‌کند و هر انسانی می‌تواند با مقتدا قرار دادن انسان کامل مسیر زندگی خویش را بسازد. این خاصیت حب است که عاشق را شیفته معشوق می‌کند و عاشق راضی نیست حتی به کاری که موجب سخط معشوق شود بیندیشد.

سئوالات پژوهش

۱. جایگاه محبت به اهل بیت (ع) در نظام هستی در قرآن و روایات کدام است؟
۲. تاثیرگذاری محبت به اهل بیت (ع) در سبک زندگی فردی و اجتماعی چگونه است؟

فرضیه پژوهش

۱. با توجه به آیات و روایات محبت به اهل بیت (ع) جایگاه ویژه‌ای در نظام تکوین و تشریح داشته و میان آن‌ها رابطه مستقیم وجود دارد.
۲. تاثیرگذاری محبت به اهل بیت (ع) در سطح زندگی فردی و اجتماعی نیز در آیات و روایات از اهمیت خاصی برخوردار است.

بحث اصلی

معنای لغوی و اصطلاحی محبت در معنای واژه «محبت» آمده: مصدری مأخوذ از تازی و به معنای دوست داشتن است. (۴) در کتاب العین هم حب به معنای عشق و نقیض تنفر آمده است.

از روایات اهل بیت (ع) بالاخص حدیث شریف کساء استفاده می شود که اساس نظام هستی و خلقت آسمانها و زمین و گردش ماه و خورشید و ستارگان و کرات و کهکشان ها به خاطر اهل بیت (ع) و به خاطر محبت به آن ذوات مقدسه است. (انی ما خلقت سماء منبیه و لا ارضا مدحیه و لا قمر منیرا و لا شمس مضيئه و لا فلکا یدور و لا بحر یجری الا لاجلکم و محبتکم).

از این جملات برداشت می شود، محبت به اهل بیت نه تنها واسطه در آفرینش بلکه واسطه در هدایت تکوینی موجودات است. هدایت تکوینی همان هدایتی است که در متن خلقت و در فطرت مخلوقات وجود دارد. برخی از نشانه های هدایت تکوینی مانند: عقل، غریزه، شعور، عاطفه، و انواع ادراکات» می باشد. «قال ربنا الَّذی اَعْطى کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدى» گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده سپس هدایتش کرده است. (طه، آیه ۵۰). خداوند هر موجودی را هدایت نموده، راه بهره‌وری از امکانات را به او شناسانده تا آن جا که طفل را به پستان مادر و جوجه را به این که از مادرش بخواد و غذا را در دهانش بریزد راهنمایی کرد. (۸) پس هدایت تکوینی خداوند غیر اختیاری بوده و شامل همه موجودات می شود.

محبت اهل بیت (ع) در زندگی نقش هدایتی دارد. البته «ما دو نوع هدایت داریم: یک هدایتی که ارائه طریق می کند یعنی آدرس می دهد و می گوید شما اگر می خواهید به فلان محل برسید از این خیابان می روید و وارد فلان کوچه می شوید و پلاک مقصد آن جاست این را ارائه طریق می گویند که کار پیامبران است که راه را نشان می دهند. اما گاهی هدایت بالاتر از این یعنی ایصال الی المطلوب است به عنوان مثال گاهی که می خواهید آدرس به کسی بدهید می گویند بیا سوار ماشین شو تا تو را برسانم نه خیابانی را معرفی می کنند و نه کوچه ای را و فرد را به مقصد می رسانند این را ایصال الی المطلوب می گویند، یعنی رساندن به مقصد. (۲)

علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیاتی که شان امام را هدایت به امر (وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا) (سجده، آیه ۲۴) می داند، بیان می کند که: مراد از هدایت در اینجا صرف راهنمایی نیست بلکه رساندن به هدف مطلوب و به بیان دیگر افاضه ایمان بر قلب است و این قسم هدایت، وظیفه رسول است. (۶)

جایگاه محبت به اهل بیت در نظام تشریح در نظام تشریحی رساندن فرمان الهی به انسان ها و هدایت آنها، توسط افرادی همچون پیامبران و امامان انجام می گیرد. محبت به انبیاء و امامان معصوم در این قسمت می تواند در اطاعت انسان ها از رهبران الهی بهترین نقش را ایفا کند. به عبارتی محبت به اهل بیت در این راستا می تواند مهمترین جایگاه در پیروی از خواسته های خداوند باشد.

هدایت تشریحی فقط انسان ها را شامل می شود، یعنی خداوند علاوه بر هدایت تکوینی که در فطرت انسان وجود دارد، به وسیله فرستادن پیامبران و وحی، انسان را مورد هدایت قرار داده است؛ «ذلک الکتاب لا ریب فیهِ هدی للمتقین» (بقره، آیه ۲) «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است. مرحوم طبرسی هدایت تشریحی را به اقسام زیر تقسیم نموده

«حب: أحبته نقیض أبغضته. و الحب و الحبة بمنزلة الحبيب و الحبیة» (۹) علامه طباطبایی محبت را تعلق وجودی و جذب خاص شعوری بین علت و بین معلول تکامل یافته می داند. (۶)

اهل بیت

لغویان اتفاق دارند که «اهل» و «آل» به یک معنا هستند. اصل «آل»، «اهل» بوده، سپس هاء به همزه تبدیل گشته و در نتیجه، دو همزه متوالی پشت سر هم قرار گرفته و به همین دلیل، همزه دوم به الف تبدیل شده است. (۵) هیشمی می گوید: در کاربرد خاص، همسران پیامبر (ص) مطابق معنای لغوی و عرفی، اهل بیت پیامبرند و مقصود از بیت در اینجا بیت سکن (محل سکونت) است، نه بیت نسب یانوت. ولی در کاربرد اخص به گروهی از خاندان پیامبر (ص) اختصاص دارد که از ویژگی عصمت برخوردارند. (۱۵)

سبک زندگی

سبک زندگی عبارت است از الگوی هم گرا (کلیت تامی) یا مجموعه کاملی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع های اجتماعی و دارایی ها که شخص یا گروه بر اساس بخشی از تمایلات و ترجیح ها (سلیقه) اش و در تعامل با شرایط محیطی خود ایجاد یا انتخاب می کند. یا به اختصار، سبک زندگی: شیوه یا مجموعه نظام مند از عملکرد و کنش های مرجح است. (۱۲).

«سازمان بهداشت جهانی» سبک زندگی را به این صورت تعریف می کند: اصطلاح سبک زندگی به شیوه زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش های اجتماعی، نوع برخورد و فعالیت ها تأکید دارد. بنابراین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات شخصی در سراسر زندگی (فعالیت جسمانی، تغذیه، اعتیاد به الکل و دخانیات و...) است که به دنبال فرایند جامعه پذیری ایجاد شده است. (۹).

حبت به اهل بیت (ع) واسطه در نظام تکوین

پیدایش عالم با اراده خداوند است و این اراده چیزی جز محبت خدا به ذات خویش که محبت به ذات کامل است، نمی باشد. محبت خدا به ذات خویش همان محبت به موجود کاملی است که مظهر آن انسان کامل است و انسان کامل، هرچند در وجود وابسته به خداست، در تمام صفات و ویژگی ها آئینه خداوند بوده و در سلسله پیدایش هستی واسطه در ایجاد سایر موجودات می باشد. محبت به انسان کامل که مظهر آن اهل بیت (ع) هستند واسطه در ایجاد همه موجودات است و هر فیضی که به این جهان هستی می رسد از این کانال می باشد.

از سوی دیگر، انسان کامل با «ولایت تکوینی» قدرت تصرف در جهان هستی را دارد. ولایت تکوینی همان کمال روحی و معنوی است که در پرتو عمل به نوامیس الهی و قوانین شرع در درون انسان پدیدار می گردد و سرچشمه مجموعه ای از کارهای خارق العاده می گردد، که تصرف در جهان و انسان، و آگاهی از ضمائر و قلوب، و شهادت بر اعمال، از جمله اموری است که در پرتو آن شخص قادر به انجام می شود و قرآن کریم از افرادی که دارای این موهبت اند با نام شهدا یاد کرده است.

کرده که آن دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند، مانند این دو (انگشت که با هم برابرنند) و دو (انگشت سبابه خود را به چسباند و نمی‌گویم مانند این دو انگشت - و انگشت سبابه و وسطی را به هم چسباند. یعنی باهم برابرنند و این طور نیست) که یکی بر دیگری پیش باشد (و جلو افتد) پس به هر دوی اینها چنگ زنید تا نلغزید و گمراه نشوید، و برایشان جلو نیفتید که گمراه شوید. (۱۰) از این مطالب فهمیده می‌شود که پیروی از اهل بیت (ع) نجات و هدایت یافتن از ضلالت و گمراهی را در پی دارد. وساطت محبت در پیروی از اهل بیت (ع) امر روشنی است. و لذا در قرآن اجر رسالت پیامبر (ص) دوستی با اهل بیت (ع) و دوستی با آنها کمال ایمان معرفی شده است از این رو می‌فرماید: «قُلْ لَا اسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا اَلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». (سوره شوری، آیه ۲۳)

تاثیر محبت به اهل بیت (ع) در سبک زندگی

حیات انسان در این عالم موهبت الهی است. او در دنیا از غنیمت عمر برخوردار است تا بر اساس آموزه‌های وحیانی قرآن کریم و با تاسی به انسان کامل یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام به حیات طیبه ای که پروردگار عالم برای او شایسته دانسته دست پیدا نموده و متناسب با فرامین قرآن و عترت مناسبات فردی و اجتماعی خودش را تنظیم کند. به طبع محبت اهل بیت علیهم السلام ره توشه ای بی بدیل است که می‌تواند زندگی حیوانی انسان را در این عالم صبغه و جهت الهی بخشد و بهره‌وری انسان را از حیات دنیوی بیشتر کند و شئون زندگی ما را در دنیا معنا بخشد و حتی اثر جاودانه در عالم پس از مرگ نیز ایجاد نماید چنان که لسان روایت می‌فرماید: «کما تعیشون تموتون». (۱)

تاثیر محبت به اهل بیت در سبک زندگی فردی

هر کدام از ما محبان اهل بیت (ع) باید با اقتدا به رسول اکرم (ص) بتوانیم شیرینی شناخت و دل‌نشینی معرفت ناب نبوی و علوی را در ذائقه جان‌های پاکان محبان سرازیر ساخته و بر غنای ارزش‌های الهی بیفزاییم. چنان که امیر مؤمنان علی (ع) در توصیف شیعیان می‌فرماید: «شیعیان ما عارفان به خدا، عاملان به اوامر الهی، اهل فضایل و صفات نیک، گویندگان سخنان صواب و صحیح، دارای غذای اندک و لباس‌هایی متوسط هستند. کسانی که شیوه آنان تواضع است و دارای حلم و بردباری، تهجد و عبادت در شب‌ها، اشک ریزان از خوف خدا و عفت باطن هستند؛ اینان پاک‌ترین پیروان من و برادران عزیز و گرامی من هستند. چقدر دوست دارم آنان را ببینم». (۱۱).

در حوزه معرفت بخشی و اخلاق

هدف اصلی اهل بیت (ع) از آموزه‌های تربیتی در حوزه صفات و رفتارهای اخلاقی امام، این است که نمونه بارز اخلاق انسان کامل و اسوه حسنه محاسن و مکارم اخلاق، و الگوی عینی از تحقق هدف آفرینش معرفی شود و تلاش بشر برای سیر صعودی و دستیابی به حیات طیبه، در مسیر سالم و راه درست سیر و سلوک دینی، جهت یابد، یاران امام به روشنی بتوانند ویژگی‌های او را بشناسند و برای پیروی از امام تمام تلاش خود را به کار گیرند و مظهر شمع وجودش شوند و نیز زندگی آنان، نمونه‌هایی از زندگی سالم انسانی باشد. (۱۲).

است. (۸) شاید تقسیم‌بندی ایشان به اعتبار مراتب اشتراک در خلقت و درجه قرب به خداوند از حیث اطاعت پذیری و دریافت پاداش الهی بوده است. هدایت تشریحی شامل همه انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر می‌شود. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى» (نجم، آیه ۲۳) «در حالی که هدایت از سوی پروردگارشان برای آن‌ها آمده است» «و هِدْيَانَهُ النَّجْدِينَ» (بلد، آیه ۱۰) و «او را به راه خیر و شر هدایت کردیم.

پیامبر در نصیحت خویش به اباذر می‌فرماید: موقعیت اهل بیت من بسان کشتی حضرت نوح و باب حطه بنی اسرائیل است. یعنی اگر کسی می‌خواهد در گرداب موج‌های سهمگین از گمراهی مصون بماند، چاره‌ای ندارد جز اینکه سوار این کشتی بشود و اگر هم گمراه شد، باید به خانه اهل بیت پناه ببرد تا از گمراهی نجات یابد و در امنیت کامل به سر ببرد.

سلیم بن قیس گوید: شنیدم علی علیه السلام می‌فرمود: (و این هنگامی بود) که مردی نزد آن حضرت آمده بود و به او عرض کرد: کمتر چیزی که بنده به سبب آن مؤمن شود چیست؟ و کمتر چیزی که بنده به وسیله آن کافر گردد چیست؟ و کمتر چیزی که بنده با آن گمراه است چیست؟ حضرت به او فرمود: اما کمتر چیزی که بنده بدان مؤمن است آن است که خدای تبارک و تعالی خودش را به آن بنده بشناساند پس (آن بنده) به فرمانبرداری او اقرار کند، و سپس پیغمبر (ص) را به او بشناساند پس به فرمانبرداری او نیز اقرار کند، و (هم چنین) امام و حجت خود را در زمین، و گواهی را بر خلق به او معرفی کند، و برای او هم به فرمانبرداری اعتراف کند، (سلیم گوید) من عرض کردم: ای امیر مؤمنان و اگر چه همه چیز را به جز آنچه بیان فرمودی نداند؟ فرمود: آری در صورتی که هرگاه دستوری به او دهند اطاعت کند، و اگر نه پیش کردند نکند. و کمتر چیزی که بنده به سبب آن کافر گردد آن است که کسی چیزی را که خدا از آن نهی کرده است بپندارد که جایز است و خدا به آن دستور داده (یعنی بدعتی در دین گذارد)، و این معنی را دین خود کند و به آن بماند، و بپندارد که خدای را که به آن کار بپندار خویش دستور داده پرستش کند، (در حالی که) جز این نیست که شیطان را پرستش کند.

و کمتر چیزی که بنده به واسطه آن گمراه شود این است که حجت خدای تعالی و گواهی را بر بندگانش نشناسد (یعنی) آن کس را که خدای عزوجل دستور به فرمانبرداریش داده، و ولایتش را فرض و واجب فرموده است، سلیم می‌گوید: من عرض کردم: ای امیر مؤمنان آنان یعنی حجت و گواهان را برایم توصیف کن، فرمود: آن‌ها کسانی هستند که خدای عزوجل آن‌ها را قرین خود و پیغمبر ساخته و فرموده است: «ای آنان که ایمان آورده‌اید خدا و رسول و اولیاء امر خود را فرمان برید» (سوره نساء، آیه ۵۹)

عرض کردم: ای امیر مؤمنان خدا مرا به فدایت کند برایم واضح کن (و آشکارتر بیان فرما) فرمود: آنان که رسول خدا (ص) در آخرین خطبه‌اش روزی که خدای عزوجل قبض روحش فرمود، فرمود: من همانا دو چیز در میان شما می‌گذارم که پس از من هرگز گمراه نشوید تا مادامی که به آن دو چنگ زنید: کتاب خدا، و عترتم که اهل بیت (و خاندان) منند زیرا خدای لطیف و آگاه به من سفارش

نگرفته بلکه خود محبت و در خواست و طلب محبوب باعث انجام عمل شده است. محبین به جایی می رسند که با تمام وجود و بدون هیچ طمعی عبادت می کنند و در عین حال خود را بدهکار می دانند لذا محبین مشغول ترین افراد به عمل اند و فارغ و بیکار نیستند. سومین صفت محبین «الورع فی الدین» است. محبین در دینشان اهل ورع اند. و چهارمین صفت محبین این است که در عبادت و بندگی خداوند رغبت دارند و مشتاق آن هستند. اگر کسی محب ائمه (ع) شد، اثر آن این است که به بندگی خدا راغب و مایل می شود و شایسته آن می شود. صفت پنجم، توبه پیش از مرگ و صفت ششم نشاط در قیام اللیل است که فرمود: «والتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَالنَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ». اگر کسی اهل محبت شد نه تنها اهل قیام لیل و شب زنده داری می شود بلکه در آن نشاط هم دارد. ممکن است کسی که به مقام محبت نرسیده با ریاضت کشیدن اهل قیام لیل باشد چرا که اصل شب زنده داری مختص به محبین نیست بلکه آن دو دسته دیگر از بندگان - یعنی کسانی که از روی رغبت به بهشت و کسانی که از سر خوف از جهنم عبادت می کنند - هم به قیام اللیل می رسند. اما محبین که گروه سوم از بندگانند و بالاترین درجه را دارند، با سایرین متفاوت اند و تفاوت آنان در نشاط در قیام اللیل است. اگر شب بر می خیزند، با نشاط بر می خیزند زیرا می خواهند سراغ محبوب خود بروند. در حدیثی نورانی آمده است که موسای کلیم چهل شب - یعنی ماه ذی القعدة و دهه اول ذی الحجه - در کوه طور بود و به او وعده دیدار داده بودند. هنگامی که برای مناجات رفت، در این چهل روز نه خورد، نه خوابید، نه آشامید، و عجیب تر اینکه نه گرسنه و نه تشنه شد و علتش این بود که به او وعده دیدار داده بودند و این وعده دیدار موسای کلیم را بی قرار کرده بود و از نشاط آن وعده ای که به او داده بودند طی این چهل روز، خواب و خوراکی نداشت و تشنه و گرسنه هم نشد. این خاصیت محبت است. اینکه در قرآن می فرماید ملائکه در یک مقاماتی خداوند را تسبیح می کنند و خسته نمی شوند، به همین معناست که طبق روایت رزق آنان همین تسبیح شان است. صفت هفتم: «وَأَلْيَاسُ مِمَّا فِي آيَةِ النَّاسِ» می باشد. کسی که به مقام محبت رسیده از آنچه در دست مردم است مأیوس می شود. یک معنای صفت فوق این است که چون آنچه در دست مردم است با جنس آنچه طلب می کند تناسبی ندارد. پس کسی که به محبت امام رسیده و دنبال امامش می گردد، چیزی در دست مردم نمی بیند تا به آن طمع داشته باشد زیرا آنچه در دست مردم وجود دارد تعلقات دنیایی است و محب اهل بیت زاهد از دنیاست پس از آنچه در دست مردم است مأیوس می باشد چرا که چیزی در دست مردم نمی بیند. معنای دوم فراز فوق این است که کسی که در مقام محبت اهل بیت است، به مقام اخلاص در توحید رسیده است و مقام اخلاص در توحید مقامی است که در آن انسان جز از خدای متعال از همه مأیوس است. (۱۰). حبیب اهل رجاء بالله و یأس از ما سوی الله هستند. اگر دیدید کسی هنوز به دست مردم طمع دارد، معنایش این است که هنوز به مقام محبت راه پیدا نکرده است.

صفت هشتم کسی که در مقام محبت ائمه (ع) قرار دارد، نسبت به امر و نهی محافظت دارد چنان که فرمود: «وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ

در روایتی پیامبر اکرم (ص) می فرماید: در محبت اهل بیت من ده خصلت دنیوی و ده خصلت اخروی است که محبین اهل بیت به آن راه پیدا می کنند. اولین صفت از ده صفت دنیوی، زهد در دنیا است که فرمود: «أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَالزَّهْدُ». زهد به معنای داشتن و نداشتن نیست و در بیرون انسان شکل نمی گیرد بلکه زهد در ارتباط انسان با نعمتها و امکانات شکل می گیرد. از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که فرمودند: «فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَقَدْ خَرَجَتْ الْأَخْرَافُ وَالْأَفْرَاحُ مِنْ قَلْبِهِ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا يَأْسَى عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ فَهُوَ مُشْتَرِيٌّ» (۱۰) زاهد کسی است که تمام غصه ها و شادی های دنیا از قلبش خارج شده است به همین خاطر اگر دنیا به دستش برسد خوشحال نمی شود و اگر چیزی از دنیا از او فوت شود او را ناراحت نمی کند و او در مقام راحتی و خلاص است. زاهد از آمد و شد دنیا فارغ و به امر بالاتری مشغول است. بنابراین زهد یعنی فراغت و بزرگتر شدن از دنیا به گونه ای که در عین حال حضور در دنیا، آمد و شد دنیا او را مشغول نکند و دل مشغولی چنین کسی به چیز دیگری است که در زیارت امین الله می خوانیم: «مَشْغُولَةٌ عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ» علت اینکه محب اهل بیت زاهد می شود این است که اگر کسی وارد وادی ولایت امام شد و محبت رفیع امام در دلش آمد، محبت های کوچک از دل او می روند زیرا محبت امام و محبت دنیا جمع نمی شود. و طبیعتاً این آمد و شد دنیا او را به خود مشغول نمی کند و زاهد می شود نکته دیگر این که بر پایه اعتقاداتی که دارد در انجام اعمال صالح بیشتر می شود. دومین خصلت از خصلت های دنیوی محب اهل بیت «وَالْحَرَصُ عَلَى الْعَمَلِ» است. محب امام در عین اینکه زاهد است و آمد و شد دنیا تاثیری بر دل او نمی گذارد، انگیزه ای بالاتر برای عمل کردن دارد. محبین در دنیا مشغول به کارند اما این کارشان برای دنیا نیست. محبین بیش از همه عمل می کنند و خالص ترین اعمال را دارند. در روایتی آمده است که عبادت کنندگان خداوند سه دسته اند، بالاترین افراد از این سه دسته را کسانی ذکر می کند که از روی محبت و شکر عمل می کنند (۱۰) یعنی محبت عمل می آورد و انسان را به عملی وادار می کند که محبوب آن را دوست دارد.

در زیارت امین الله - دعاها و حمدهایی وجود دارد ناظر به محبین و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام است.

اگر کسی وارد ولایت امیرالمؤمنین شد، نفس او نفسی می شود که در دعاهایی که در امین الله شده به سیزده صفت آن اشاره شده است. حمدهایی که در این زیارت ذکر شده و ناظر به نوع ارتباط خداوند با محبین و محبین با خداوند است. ناظر به اوصاف شیعیان امیرالمؤمنین نیز می باشد - می گوئیم: «اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْتَبِينَ إِلَيْكَ وَاللَّهَّةُ». یعنی اگر کسی در مقام شیدایی بود، «مُحَبَّتٌ» است. مُحَبَّتٌ یعنی کسی که تمام عبادات را انجام می دهد اما در عین حال خود را بدهکار می داند. محب حقیقی کسی است که در محبت خود خائف و نگران است که مبدا آنگونه که باید نباشم و این رابطه محبت قطع شود. بنابراین اگر کسی به مقام محبت رسید، این محبت نه تنها عمل و حرص بر آن، بلکه لطیف ترین اعمال را می آورد. هیچ عملی مانند عمل محبین نیست زیرا در آن هیچ طمع و خوفی وجود ندارد و عمل بخاطر طمع پاداش و خوف عقاب صورت

من اشد لنا حبا اشد للنساء حبا، هر کس بیشتر دوستدار ما (خاندان عصمت و طهارت) باشد، به زنها (همسرش) نیز بیشتر دوستی می کند.» (۱۱)

درباره محبت فرزندان به اهل بیت علیهم السلام هم والدین با توجه به شرایط معنوی موجود، باید محبت را از مراحل ساده و عاطفی در فرزندان ایجاد کنند و در مراحل بعدی با صحبت درباره زندگی و اخلاق اهل بیت (ع) و ایجاد شناخت بیشتر، آن را تعمیق دهند تا محبت جزئی از وجود فرزند گردد. این محبت می تواند فرزند را به حقیقت اسلام هدایت کند؛ چنانکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «فرزندانتان را با محبت من و محبت خاندان من و محبت قرآن، تربیت کنید.» (۱۴)

تاثیر محبت به اهل بیت در سبک زندگی اجتماعی در قرآن کریم آمده است که خداوند سبحان انسان ها را متفاوت آفریده است: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» (سوره نوح، آیه ۱۴). این تفاوت ها باعث نیاز افراد به یکدیگر می شود، در نتیجه همان طور که انسان های یک جامعه جهت تداوم زندگی، به یکدیگر نیاز دارند، جوامع مختلف نیز برای رشد و تکامل به یکدیگر نیازمندند. حتی ارتباط با بلاد دیگر موجب رفع بسیاری از نیازهای علمی و اقتصادی می شود و جامعه اسلامی ناگزیر است برای تداوم حیات خود با جامعه های دیگر ارتباط داشته باشد. (۱۰) مهمتری چیز در بعد اجتماعی در سیره و سبک زندگی اهل بیت (ع) اتحاد مسلمانان است. بر اساس زیارت جامعه کبیره در مفاتیح الجنان که از قول امام هادی علیه السلام نقل شده آن ذوات مقدسه مظهر «والتلطف الفرقة» هستند و با محبت آنان اتحاد و دوستی و انس و الفت بین مومنان برقرار می شود.

از نظر فرهنگی

وجود اهل بیت (ع) آثار فرهنگی بسیاری در جامعه بشری دارد که مهم ترین آنها عبارت است:

الف: هدایت گری: پیامبر اکرم (ص) به عنوان مفسر و مبین قرآن کریم، در حدیث شریف ثقلین وقتی می خواهد مقام مرجعیت دینی و امامت و پیشوایی بعد از خودشان را بیان نمایند، از واژه اهل بیت استفاده نموده و آن را به عترت خود تفسیر نموده و می فرماید: «من در میان شما دو گوهر گرانها باقی می گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت من است که اگر به این دو تمسک نمایید و به آن ها بپیوندید، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو از هم جدا نمی شوند تا در قیامت بر من در حوض کوثر وارد شوند.» (۱۰) در این حدیث پیامبر اکرم (ص) علاوه بر بیان و تفسیر اهل بیت به نقش هدایتی آنان که به اندازه نقش هدایتی قرآن مجید است تصریح شده است. یا در حدیث سفینه می فرمایند: «همانا مثل اهل بیتم در میان شما، مانند کشتی نوح است که هر کس سوارش شود نجات یابد و هر کس از آن تخلف کند غرق می گردد.» در این حدیث پیامبر اکرم (ص) یکی از وظایف خطیر اهل بیت را هدایت انسان ها به سوی نیکی، احسان، سعادت و نجات آنان از گمراهی ها و هلاکت بیان می کند. همچنین در حدیث دیگری فرمود: «همانا مثل اهل بیتم در میان این امت، مانند ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره ای غروب

عَزَّ وَجَلَّ» یعنی مراقب هستند که امر و نهی الهی به بهترین و زیباترین وجه انجام شود. یعنی از سر اشتیاق به امر و نهی الهی عمل می کنند. نهمین صفت این که محب اهل بیت (ع) نسبت به دنیا یعنی محیط ولایت ائمه جور بغض پیدا می کند.

آخرین و دهمین صفت دنیوی محب اهل بیت (ع) سخاوت است که فرمود: «وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ». سخاوت یعنی همه چیزش را می دهد و هیچ طمعی هم ندارد. سخی کسی است که از داشته های خود بدون هیچ طمعی می گذرد. کسی که سخی است از بخشش رنج نمی برد و امکاناتی که خدا به او داده است به آسانی می بخشد و لذت می برد که آن را در راه محبوب خود خرج کرده است. سخاوت یعنی در نهایت زیبایی و محبت خرج و بخشش کردن و از بخشش خود هم نگران بودن است که آیا محبوبش می پسندد یا نه. (۱۰).

در حوزه خانواده

پیروی از سنت اهل بیت (ع) بهترین اثر محبت به آنهاست. که خود را در جنبه های مختلف رفتاری از جمله رفتار با والدین و همسر و حتی تربیت فرزندان نشان می دهد. به عنوان مثال در زمینه احترام به پدر و مادر شخصی می گوید از امام صادق (ع) درباره آیه «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» در سوره اسراء سؤال کردم که این احسان چیست؟ امام (ع) نکات مهمی را در این باره تذکر دادند: اول: با آنها خوب مصاحبت کن، احترام آنها را نگه دار، گرم باش، انیس و مونس آنها باش، در کنار آنها بنشین و دست آنها را ببوس. دوم: حاجت آنها را برآورده کن سپس به نکته مهمی اشاره فرمودند که: «وَأَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَخْتَارَانِ إِلَيْهِ» وقتی می دانی آنها به خدمت تو نیاز دارند، صبر نکن تا از تو درخواست کنند و همین مقدار هم آنها را به خجالت و سختی نینداز. سوم: اُف نگفتن. یعنی اگر تو را آزرندند به آنها اف نگویی. چهارم: «وَلَا تُنْهَرُهُمَا» پدر و مادر را از محیط زندگی خود دور نکن که این کار بسیار ناروایی است، خصوصاً پدر و مادر سالمند باید در کنار فرزندان باشند. پنجم: نگاه تند به پدر و مادر نکن. چشم خود را به طور خیره به صورت آنها مدوز، «إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَرَقَّةٍ؛ مگر با لطف و با مهربانی». ششم: «وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا وَلَا تَكُ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَلَا تَقْدِّمْ قَدَامَهُمَا» صدای خود را از صدای آنها بالاتر مبر، دست خود را بالای دست آنها قرار نده و در جلوی آنها حرکت مکن. منظور این است که خود را بالاتر از آنها نشان نده. (۱۱)

در زمینه همسر داری و تربیت فرزند

همچنین در ارتباط با همسر و محبت به او ائمه معصومین (ع) تأکید بسیار نموده اند و در سیره ی عملی ایشان این امر در موارد متعددی به چشم می خورد و بهترین الگو در این زمینه هستند از جمله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «کلمة ازداد العبد ایمانا ازداد حبا للنساء»، هر چه ایمان بنده زیاد شود، محبت [وی] به زن ها نیز زیاد می شود. «دوستدار اهل بیت (ع) دوستدار همسر است. همین طور می فرماید: وقتی مرد به زن خود با محبت می نگرد و زنتش نیز به او با مهر نگرد، خداوند به دیده ی رحمت به آن ها نگاه می کند. (۱۱) امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «کل

نمود، بلکه حکومت از این جهت نزد آن حضرت بسیار ناجیز و پست است که از عطسه یک بز زکام خورده و یا از لنگه کفشی باره، بی‌ارزش‌تر است؛ زیرا کفشی که نیاز حضرتش را بر طرف نماید و مسئولیتی را به همراه نداشته باشد، به مراتب از ریاست و مقام که مسئولیت‌های بسیاری را به دنبال دارد بهتر و برتر است.

در گفتارها و نوشتارهای امام علی (ع) فراوان مشاهده می‌شود که آن حضرت بارها و بارها بر سر حکومت و قدرت کوبیده و آنرا تحقیر نموده، تا جایی که می‌فرماید: «این (حکومت) نزد من از استخوان خوکی که در دست یک آدم جذامی باشد، پست‌تر است» (۳). امام (ع) خطاب به ابن عباس حکومت را از نعلین خود پست‌تر معرفی می‌کند، مگر این‌که با ابزار حکومت بتواند حقی را به پا داشته و مانع باطلی شود: «سوگند به خدا این نعلین از فرمان‌روایی بر شما نزد من محبوب‌تر است، مگر آن‌که حقی را به پای دارم یا باطلی را دفع کنم» (۴). و در سخن بلند دیگری فرمود: «به خدایی که دانه را شکافت، و انسان را به وجود آورد، اگر حضور حاضر، و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود، و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکم‌بارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت نمایند، افسار شتر حکومت را بر کوهانش می‌انداختم، و پایان خلافت را با بیمانه خالی اولش سیراب می‌کردم، آن وقت می‌دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بُز کمتر است» (۳).

این تصویری است که علی (ع) از حکومت ترسیم می‌کند، آن‌هم زمانی که خود زمامدار جهان اسلام است. البته، تنها ارزشی که علی (ع) برای حکومت قائل است، زمانی است که حکومت وسیله‌ای برای اجرای عدالت، احیای ارزش‌های الهی و پاسداری از کرامت انسانی باشد.

از نظر امام علی (ع)؛ حکومت، آن زمان دارای ارزش است که شخص حاکم و زمام‌دار به کمک این ابزار سیاسی بتواند، احقاق حقی کرده و یا از باطلی جلوگیری نماید و کرامت انسانی را که در طول قرون و اعصار به وسیله قدرت‌مندان و ظالمان از بین رفته، به جوامع انسانی بازگرداند.

نتیجه‌گیری

وجود اهل بیت (علیهم السلام) آثار معنوی بسیاری برای انسان دارد که مهم‌ترین آن نقش هدایت‌گری، تزکیه اخلاق و علم و دانش آنان می‌باشد. از این رو باید به سراغ آن بزرگواران برویم که هر راهی غیر از راه آنان بیراهه است و آدم را به طور قطع به ضلالت و گمراهی می‌کشاند. محبت اهل بیت علیهم السلام زیربنای واجبات دینی و فریضه واجب است چرا که اگر کسی به توحید و رسالت و معاد معتقد باشد اما نسبت به ولایت بی‌اعتقاد باشد اعتقاداتش نه تنها سودی به حال او نخواهد داشت بلکه غیر از خسارت ثمره‌ای برای او ندارد.

اهل بیت علیهم السلام جانشینان الهی و خلفای فی الارض و به عنوان هادی و مرشد بشریت هستند. قرآن کریم می‌فرماید: «من ینبأ الله فهو المهتد و من یضلل فلن تجد له ولیا مرشدا» (کهف، آیه ۱۷) (هرکس را خدا هدایت کند به حقیقت هدایت یافته و هر که را

کند ستاره دیگری طلوع می‌کند...» (۱۱). در واقع ایشان در این احادیث به نقش هدایت‌گری و امنیت بخشی اهل‌بیت اشاره دارند.

ب: تزکیه اخلاق: همه معارف از اهل بیت (ع) است هر چه در این زمینه بخواهیم باید به سراغ آن بزرگواران برویم و به طور قطع هر که به جای دیگر برود؛ جایی که از اهل بیت بریده و منقطع باشد، به ضلالت و گمراهی رفته است. در زیارت جامعه کبیره آمده است: «وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَبِيبًا لِخَلْقِنَا وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَتَزَكِيَةً، لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا (و نیز آنچه از ولایت شما به ما اختصاص داد، همه اینها را سبب پاکي سرشت و اخلاق ما و پاکيزگي جان هايماں و پاک سازي و رشد ما و جبران گناهانمان قرارداد. یکی از نشانه های حلال زادگی، محبت اهل بیت (ع) است.

از نظر اقتصادی

بدیهی است که محبت به اهل بیت زمینه اطاعت از آنان را در جنبه های مختلف زندگی به ویژه مقوله اقتصاد در خانواده و تامین معاش و کسب و کار و مصرف صحیح و درست در زندگی و دوری از اسراف تبذیر فراهم می‌کند. از نظر اسلام، سلامت اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی در حوزه اقتصادی «و يَأْقَوْمُ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (هود، آیه ۸۵) و تصحیح روابط اقتصادی جامعه، هم پای مسایل اعتقادی و عبادی در صدر برنامه های پیامبران قرار دارد «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف، آیه ۸۵). این امر نمی‌تواند جز با صرفه جویی و بهینه سازی مصرف همراه باشد؛ زیرا اقتصاد در هر حال بستری برای تکامل بشری است و به عنوان هدف ابزاری و یا میانی مطرح می‌باشد که می‌بایست آدمی با بهترین شیوه مصرف و استفاده درست و مناسب، خود را در جایی قرار دهد که بتواند رشد و کمال خویش را ادامه دهد. از این رو همان اندازه که اسراف و اتراف و تبذیر، زشت و ناپسند است، استفاده نکردن درست از نعمت‌های خداوندی نیز به معنای نادیده گرفتن ابزارهای کمالی است. (۱۰).

از نظر قرآن، اقتصاد و ثروت مایه قوام جامعه است و امور اقتصادی و معیشتی مردم جایگاهی مهم در حد مسایل اعتقادی و عبادی دارد و براین اساس می‌بایست همگان، از شخص و جامعه و دولت، در مسیر اقتصاد سازنده و مثبت حرکت کنند تا فرصت‌های برابر برای همگان جهت دست‌یابی به همه ابزارهای رشد و تکامل فراهم آید. بنابراین هرکسی که با مصرف زیاد و اتراف و تبذیر و اسراف بخشی از ابزارهای رشدی و کمالی را از میان ببرد، می‌بایست پاسخ‌گوی خدا و جامعه انسانی باشد. (۱۰).

از نظر سیاسی

محبت اهل بیت علیهم السلام در حوزه سیاست نیز محب را به سمت الگو پذیری از رفتار سیاسی و سیره عملی اهل بیت علیهم السلام سوق می‌دهد به عنوان مثال شما حکومت امام علی علیه السلام را در نظر بگیرید، به گواهی تاریخ، ورود علی (ع) به عرصه سیاست و پذیرش حکومت به مفهوم ریاست طلبی و سلطه جویی

Office of the seminary seminary community, Qom.

7. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1370), Makarem al-Akhlaq, Sharif Razi, Qom.

8. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1377), Tafsir Jameem al-Jamae, translated by the group of translators, second edition, Research Foundation

9. Farahidi, Khalil bin Ahmed, (1409 AH), Kitab al-Ain, second edition, Qom, Dar al-Hijrah.

10. Kilini, Mohammad bin Yaqub, (1387), Usul Kafi, 5 volumes, translated by Mehdi Ayatollahi, Jahanara Publishing House, Tehran.

11. Majlisi, Muhammad Baqir, (1403), Bihar al-Anwar al-Jama'e al-Darr Akhbar al-A'imah al-Athar, second edition, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, Beirut.

12. Mahdavi Keni, Mohammad Saeed, (2013), Religion and Lifestyle, Imam Sadiq University Publishing.

13. Al-Naraghi, Mohammad Mahdi, (B.T.A.). Jame Al-Saadat, research and suspension, Seyyed Mohammad Kalantar, Dar al-Nu'man for printing and publishing, Najaf Ashraf.

14. Nouri, Hossein bin Muhammad Taqi, (1408), Mustadrak al-Wasail and Mustanbat al-Masal, Al-Al-Bayt Lahia al-Tarath al-Arabi, Beirut.

15. Haytami Makki, Ahmad Ibn Hajar, (1425), Al-Sawa'iq al-Muharqa, first edition, Al-Rasaleh Institute, Beirut.

گمراه کند دیگر هرگز برای چنین کسی مرشد و راهبری پیدا نخواهد شد). محبت اهل بیت علیهم السلام باعث تبعیت و اطاعت از دستورات آنها می شود. این همان چیزی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اجر رسالتش از ما مطالبه کرده است «قل لا استلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه ۴۲) و بدون شک نفع چنین محبت و مودتی به خود ما و جامعه بر می گردد.

با توجه به آیات و روایات محبت اهل بیت علیهم السلام در سبک زندگی فردی در زمینه های فکری و معرفتی، اعتقادی، عبادی و اخلاقی و سبک زندگی اجتماعی در زمینه های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تاثیرگذار است

در ارزشمندی معرفت اهل بیت علیهم السلام همین بس که معرفت خدای سبحان منوط به آن است و ارتباطی عمیق و ناگسستنی بین آنها وجود دارد چنان که امام کاظم علیه السلام می فرماید: (من عرفهم فقد عرف الله و من جهلهم فقد جهل الله) (۱۰) و نیز امام صادق علیه السلام می فرماید: (بنا عرف الله) به وسیله ما خدا شناخته شد (صدوق، ۱۳۸۰: ۱۵) اهمیت انس و الفت و محبت به آنان در زمینه کسب معارف و معرفت بخشی صحیح بر کسی پوشیده نیست اما نکته قابل توجه این است که چشمه نوشی از کوثر محبت و معرفت شناسی آنان باعث دوری از کلیه اموری می شود که اهل بیت علیهم السلام آن را نهی کرده اند و از طرف دیگر باعث تمیز دادن حق و باطل میشود.

References

1. Ahsai, Muhammad Ibn Ali Ibn Abi Jumhor, (1405), Awali Al-Leali Al-Azizia Fi Al-Ahadith Al-Diniyah, Seyyed Al-Shahada Publications, Qom.
2. Nurture, Seyyed Ali Akbar, (2017), an opportunity for self-improvement, first edition, Atash Publishing House, Qom.
3. Dashti, Muhammad, (1390) Nahj al-Balagha, (Says of Amir al-Mominin (AS)), translated by Dashti, Qom publication.
4. Dekhoda, Ali Akbar, (1377), Dekhoda dictionary, second edition, Tehran University Press, Tehran.
5. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, (1374), Vocabulary of Quranic Words, second edition, Mortazavi Publications, Tehran.
6. Tabatabaei, Mohammad Hossein, (1374), Tafsir al-Mizan, translated by Mousavi Hamdani, Seyyed Mohammad Baqer, 4th edition, Islamic Publications